



بررسی تصحیح جدید سام نامه

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه ادبیات :: آذر 1392 - شماره 80
از 57 تا 65
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1002568>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی
تاریخ دانلود : 06/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



بررسی تصحیح جدید سام‌نامه

دکتر سجاد آیدنلو*

سام‌نامه عرضه کرده‌اند، از ترکیب همای و همایون خواجو با چند داستان دیگر احتمالاً از قرن دهم به بعد ساخته شده و سراینده/پردازنده سراسر آن نیز یک نفر نبوده است، بلکه ظاهراً چند نفر از نقالان، بخش‌های مختلف آن را به نظم کشیده‌اند (رک: سام‌نامه، ۱۳۹۲: بیست‌وپنج - سی‌وپنج؛ محمدزاده و رویانی، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۷۶ و نیز، عابدی، ۱۳۸۸: ۵۷۱؛ همو، ۱۳۹۰: ۴۹۱-۵۰۳). قرینه دیگری که این استنباط را تأیید می‌کند و تا جایی که نگارنده بررسی کرده مورد توجه محققان سام‌نامه نبوده، سه بیت در موحرة چاپ سنگی منظومه است که در آن ناظم می‌گوید سراینده متن، کس دیگری است و او تنها «طرزش به طرز دگر ساخته» که شاید ناظر بر همان موضوع تلفیق همای و همایون خواجو (کس دیگر به تعبیر ناظم این بیت‌ها) با روایات و ابیات دیگر باشد:

چو این خسروی دیبه می‌دوختم
چراغی ز دانش برافروختم
طرزاش به طرز دگر ساختم
جنیبت به مرز دگر تاختم
من آن نیستم کاین گهر سفته است

کسی دیگر است اینکه این گفته است
(سام‌نامه، ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰: ۳۹۷/۲؛ همان، ۱۳۸۶: ۷۳۶)

سام‌نامه منظومه متأخری است ولی علاوه بر ذکر نام شخصیت اصلی آن (سام) به صورت اسم خاندان در اوستا و سپس به هیأت پهلوانی مستقل در متون پهلوی و فارسی از جمله شاهنامه و گرشاسپ‌نامه، مطابق با گواهی‌هایی داستان‌های مربوط به سام هم - که بعضی از آنها در سام‌نامه آمده - سابقه دیرینی دارد و غیر از اشارات و روایات شاهنامه و گرشاسپ‌نامه، گزارش‌های دیگری نیز درباره او وجود داشته و معروف بوده است. برای نمونه در بهمن‌نامه در لوح سام خطاب به بهمن از نبرد او با عادیان یاد شده (رک: ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۴۲۹/۳-۷۲۹۳-۴) و این داستان در سام‌نامه هم آمده است. در (اب‌نامه طرسوسی (محملاً از آثار قرن ششم) به «داستان سام نریمان» و مکر و عیاری زنان در آن اشاره شده (رک: طرسوسی، ۱۳۷۴: ۶۱/۲) که شاید منظور رفتارها و چاره‌گری‌های بانوانی مانند عالم‌افروز پری، قمرخ و رضوان باشد که در متن منظومه می‌بینیم و احتمالاً در روایت مثنوی از داستان

در تاریخچه متن‌شناسی ادب فارسی، دهه هفتاد شمسی به بعد، دوران توجه محققان به تصحیح علمی منظومه‌های پهلوانی، دینی - مذهبی و تاریخی پس از شاهنامه است که تا پیش از این هنگام، تقریباً مغفول واقع شده بود. در حوزه منظومه‌های پهلوانی، پس از همت شادروان استاد حبیب یغمایی برای انتشار متن گرشاسپ‌نامه اسدی توسی در سال ۱۳۱۷ ه.ش، باید از پیشگامی مرحوم دکتر رحیم عقیقی یاد کرد که در سال ۱۳۷۰ ه.ش، بهمن‌نامه ایران‌شاه/شان بن ابی‌الخیر را چاپ کردند و بعد از آن بود که بسیاری از این منظومه‌ها (مانند: کوش‌نامه، شهریار‌نامه، جهادگیر‌نامه، فرامرز‌نامه، بانوگشسپ‌نامه، برزنامه و...) به شیوه‌ای مناسب در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار گرفت و خوشبختانه این توجه و اهتمام هنوز هم ادامه دارد. تازه‌ترین دستاورد رویکرد جدی - علمی محققان به آثار ادب حماسی، انتشار تصحیح منظومه بلند سام‌نامه است. در میان منظومه‌های پهلوانی پیرو شاهنامه، سام‌نامه به لحاظ موضوع آن که گزارش پرخاشخوری‌ها و دل‌آوری‌های سام در راه رسیدن به معشوق خویش است، فردی/شخصی‌ترین اثر ادب حماسی ایران به شمار می‌آید که برخلاف دیگر متون، کمترین نشانی از مسائل ملی و میهنی و پیکار با دشمنان ایرانیان و دفاع از وطن ندارد. این منظومه که به دلیل تلفیق موضوعات پهلوانی و غنایی، بهتر است رمانس نامیده شود، تا پیش از تصحیح علمی - انتقادی آن، یک بار در سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ه.ش به صورت سنگی و بار دیگر در سال ۱۳۸۶ به شکل حروفی منتشر شده و معمولاً به نام خواجوی کرمانی، شاعر نامدار سده هشتم، معروف بوده است. به‌رغم تردیدهایی که از گذشته درباره این انتساب وجود داشته (مثلاً در عرفات العاشقین، رک: سام‌نامه، ۱۳۹۲: سی‌ودو مقدمه) تسکین شیرازی در سال ۱۱۸۹ ه.ق در منظومه فلک‌نازنامه آن را از آثار خواجو معرفی کرده است:

ز تن گر روح خواجو شد ز کرمان
به کرمان جسم او شد قوت کرمان
کنون مانده است اندر روزگارش

کتب‌اب سام‌نامه - یادگار ش

(تسکین شیرازی، ۱۳۸۲: ۶۴)

با این حال تحقیقات اخیر تقریباً ثابت کرده است که این منظومه، سروده خواجوی کرمانی نیست و بنا بر دلایلی که مصحح ارجمند



* سام نامه
* سراینده: ناشناس
* تصحیح وحید رویانی
* چاپ اول، ۱۳۹۲، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب
* ۸۶۶ صفحه، وزیری (نومیز)، ۲۰۰ نسخه، ۳۹۰۰۰۰ ریال

الف) بررسی ضبها

۱. اگر خود فلک را جز این نیست رای
بسا آرزوها که ماند به جای (ص ۳)
با توجه به بیت پیش، صورت «است» به جای «نیست» دقیق تر است:
اگر قصد فلک غیر از این باشد، آرزوهای من تحقق نایافته می ماند. در
زیرنویس، نسخه بدلی برای «نیست» وجود ندارد.
۲. به سرپنجه دست از دلیران ببرد
به زربخشی آب از کریمان ببرد (ص ۴)
ضبط همای و همایون «نریمان» است و این با توجه به همنشینی
«نریمان» و «کریمان» در دو بیت شاهنامه^۱ و تقلید سرایندهگان منظومه های
پس از فردوسی از این گونه موارد برتر می نماید.
۳. یقین است کان پیکر مانوی
خیال است و آن سر به سر جلوبوی (ص ۱۴)
به قرینه قافیۀ مصراع نخست، ضبط و تلفظ درست «جادوی»
(jādovi) است. یادآور می شود کلماتی که در فارسی میانه به *ōg* یا
ōg ختم می شوند، در فارسی کهن، هنگام اضافه شدن به «ی» پس از
افتادن *g* پایانی آن، به صورت *ovi* تلفظ می شوند. نمونه دیگر *mēnōg*
است که «مینوی» (*minovi*) خوانده می شود (برای توضیح بیشتر، رک:
خالقی مطلق، ۱۳۸۰: ۱۳).
۴. چو قلواد آمد به دریا کنار
بجستند آن زنگیان کارزار (ص ۱۹)
«چه» در چاپ سنگی نیازی به تصحیح قیاسی ندارد و در منظومه هایی
مانند سام نامه به کرات «چه» در معنای «چو» به کار رفته است.
۵. به نگاه دزدان به ما برزدند
دران کاروان هرچه بد بستند (ص ۲۶)
ضبط چاپ سنگی «ز» است که تصحیح قیاسی شده اما نیازی به این
تغییر نیست و «ز ناگه» باز در همین منظومه آمده است (برای نمونه، رک:
۱۵/۴۳: ۵/۱۱۷).

سام در سده ششم هم بوده است. در تذکره عرفات العاشقین نیز بیتی
از ابوسعید سعادت بن مسعود سعد سلمان آمده که در آن از «قل سام»
سخن رفته است:

در چهره نقل مجلس و در سینه نقل سام
در غنچه اش پیاله و از جام گل شراب
(اوحدی دقافی بیانی، ۱۳۸۸: ۱/۱۴۵)
اگر بیت واقعا از پسر مسعود سعد باشد، ترکیب «نقل سام» در آن،
به احتمال، نشان دهنده نقالی داستان دلاوری های سام در قرن ششم
است.

تصحیح جدید و علمی سام نامه - که در اصل رساله دکتری
مصحح گرامی در دانشگاه فردوسی مشهد بوده است - بر اساس
شش دست نویس با محوریت دو نسخه نسبتاً کامل از سده یازدهم
و توجه به چاپ سنگی متن و منظومه های و همایون خواجو
به شیوه تقاطعی فراهم آمده و مهمترین اختلاف ضبها نیز
در زیرنویس صفحات داده شده است. مصحح ارجمند، مقدمه ای
هشتادوشش صفحه ای درباره مسائل مختلف متن و معرفی نسخ،
نوشته و بیست و شش صفحه تعلیقات در توضیح برخی از لغات و
ترکیبات و نکات و ضبهای منظومه افزوده اند. این تصحیح،
فهرست اعلام و واژگان نیز دارد. پیش از پرداختن به بررسی
ضبها و مواردی از متن، نکته ای درباره دست نویس های سام نامه
برای توجه و روشنگری مصحح محترم مطرح می شود و آن اینکه
دکتر محمود عابدی در مدخل «سام نامه» در دانشنامه زبان و ادب
فارسی و مقاله ای که درباره این منظومه نوشته اند از نسخه شماره
۱۳۴۱۸ کتابخانه مجلس نیز نام برده اند (رک: عابدی، ۱۳۸۸: ۵۷۱؛
همو، ۱۳۹۰: ۴۹۴) که در بین نسخ مورد استفاده در تصحیح تازه
این منظومه، نیست. پرسش این است که آیا مصحح گرامی این
دست نویس را ملاحظه و بررسی کرده و نیازی به بهره گیری از آن
ندیده اند یا خیر؟

۱۵. بگفت و بزد بر سرش مشت پیل که گیتی ابر سام یل شد چو نیل (ص ۱۳۲) چون فاعلِ مصراعِ نخست «باغبان» است، صورت «پشت بیل» پیشنهاد می‌شود. «پشت» نگاشته دست‌نویس «ن» است و «بیل» هم می‌تواند به «پیل» تصحیف شده باشد.

۱۶. بود پور نیرم ورا سام نام به هر جا رسیده از او نام کام (ص ۱۳۵) وجه پیشنهادی «نام و کام» است که چند بار در شاهنامه هم به کار رفته است (رک: رواقی، ۱۳۹۰: ۲/۲۰۶۵ و ۲۰۶۶).

۱۷. بُد از فرّه آفریدون همه که گشتند این سرزمین چون رمه (ص ۱۳۶) پیشنهاد نگارنده «گشتند» است. (چون رمه گشتن: رام و مطیع شدن).

۱۸. بسا تُر که آن شب ز مژگان بُرفت بسا کان شب از داغ هجران بگفت (ص ۱۳۸) احتمالاً قافیه مصراع دوم «بگفت» است و این، هم از قافیه مصراع نخست تأیید می‌شود و هم از توجه به بیت بعد که با «که» بیانی آغاز می‌شود و مفعول «بگفت» است.

۱۹. که سر برزد از کوه گرد مهی برآمد ز شرق آفتاب شهی (ص ۴۱۳) آیا «گردی» در دست‌نویس «ن» مناسب‌تر نیست؟ از کوه گردی (پهلوانی) ماهی برآمد.

۲۰. مرا با تو ایدر سر جنگ نیست دل تنگ دارم مرا ننگ نیست (ص ۱۵۶) به نظر نگارنده ضبط «مر آهنگ» در نسخه «ال» برتر است: دلم تنگ است و قصد حمله کردن (جنگ) ندارم.

۲۱. بفرمود آنگاه سام دلیر که آید برش مرد بسیار هیر (ص ۱۶۵) «هیر» ضبط نسخه «ال» است و در تعلیقات توضیحی درباره آن نوشته‌اند، اما محتمل است که صورت درست «ویر: هوش و حافظه و دانایی» بوده که در دست‌نویس «ال» به صورت «هیر» نوشته شده است یا این‌گونه خوانده می‌شود.

۲۲. یکی‌نامه باید نوشتن به سام به خوبی فرستادش از عیش جام (ص ۱۷۰) به قرینه «نوشتن» در مصراع اول، «فرستان» پیشنهاد می‌شود.

۲۳. درآمد به نیرو بت سیم بر بینداخت سوی غلامان سپر (ص ۱۸۱) همچنان که در تعلیقات توجه کرده‌اند «سه‌پر» (تیری که سه‌پر بر انتهای آن بسته باشند) درست است که طبق ویژگی رسم‌الخطی دست‌نویس‌ها «سپر» نوشته شده.

۲۴. منم پیش تخت کمر بر میان به هر جا فرستی شتابم زمان (ص ۱۸۷) «زمان» معنای روشنی در این مصراع ندارد و صورت درست «دمان» در نسخه «ال» است.

۲۵. به عزم تفرج در آن دشت کین بیایم و بینیم شیر عرین (ص ۱۸۹)

۶. جهانجوی قلواد و فرخنده سام نشستند بر باره تیزگام (ص ۳۳) متن چاپ سنگی «نشستن ابر» است که مصحح محترم تصحیح قیاسی کرده‌اند. پیشنهاد می‌شود این تصحیح به صورت «نشستند ابر» باشد.

۷. جهان عدل و دادش فراموش کرد چو آوازه عدل او گوش کرد (ص ۳۹) ضبط «اترط: نام پدر گرشاسپ» (رک: اسدی، ۱۳۱۷: ۴۹) از نسخه «م» پیشنهاد می‌شود، زیرا جهان به عدل معروف نیست که با شنیدن دادگری سام آن را فراموش بکند، بلکه مناسب‌تر این است که آوازه داد کسی (اترط) از یاد برود (جهان عدل اترط فراموش کرد).

۸. چو خورشید بُد سام گیتی گشای چو جمشید با جام گیتی نمای (ص ۵۱) چون در مصراع دوم پس از مشبه به (جمشید) وسیله ای (جام) ذکر شده است در مصراع نخست نیز ضبط «با تیغ» از همای و همایون و نسخه «م» پیشنهاد می‌شود: چو خورشید با تیغ گیتی گشای.

۹. بت بربری لعبت آذری مه خرگهی شمسۀ خاوری (ص ۵۱) چون «آذری» منسوب به نام پدر یا عموی حضرت ابراهیم (ع) است که بت‌تراش بود، باید «آذری» نوشته شود (درباره آزر، رک: مولوی، ۱۳۸۳: ۲/۳۲۷ و ۳۲۶).

۱۰. تک انداز ترکان نخجیرجوی به نخجیر شیران درآورده روی (ص ۵۵) ضبط همای و همایون «یک انداز» است که در فرهنگ‌ها و متون آمده (رک: انوری، ۱۳۸۲: ذیل ماده: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ماده) اما «تک‌انداز» ظاهراً این‌گونه نیست.

۱۱. که از پی برانگیخت گرد ارموس بغزید بر دشت چون زخم کوس (ص ۸۴) ضبط دست‌نویس «ال»، «کرک» است و مصحح گرامی آن را به «گرد» تصحیح قیاسی کرده‌اند، اما نیازی به تغییر نیست و همان را باید «کرگ» (کرگدن) خواند که در روایات نقالی - عامیانه منظوم و منثور پهلوانی، باره برخی از جنگیان است.

۱۲. به افسون فرو بست قلواد را مر آن نامور پهلو راد را (ص ۸۶) صورت «زاد: کوتاه شده آزاد» در نسخه «ال» درست است و نباید آن را تصحیح قیاسی کرد.

۱۳. کیومرث چهری سیامک وشى شهی سرفرازی یل سرکشی (ص ۱۰۲) مصحح ارجمند ضبط «کیامرث» را در دست‌نویس «ال» تصحیح قیاسی کرده‌اند ولیکن همان وجه درست است و در موارد دیگر، چندین بار «کیامورث» در سام‌نامه به کار رفته است (رک: فهرست اعلام متن).

۱۴. گریبان گرفتش یل زورمند چو مرغی سرش را ز تن برفکند (ص ۱۱۳) چون سام با دست سر فولاد را جدا می‌کند، ضبط «بر بکند» در نسخه «ال» دقیق‌تر است.

نگاشته دو نسخه «ن» و «ال» «عربین» است که مصحح محترم تصحیح قیاسی کرده‌اند. باید توجه داشت که گرچه «عربین» به معنای «بیشه» درست است، در متون مبتنی بر روایات نقلی که زبان آنها نیز از لغات و تعبیر عامیانه و نقلی اثر پذیرفته، این واژه به صورت «عربین» به کار رفته است و ظاهراً از آن معنای «عزبان» استنباط می‌شده است. در منظومه طولانی زرین قبادنامه هم - که تقریباً هم‌زمان با سام‌نامه سروده شده و به تصحیح نگارنده در انتشارات سخن زیر چاپ است - بارها «عربین» صفت «شیر» قرار گرفته است. بر اساس این ویژگی سبکی، ضبط دو نسخه اصلی سام‌نامه درست است.

۲۶. درین فصل نباید گذرگاه آب که دارد همه موج پی آشتاب (ص ۱۹۰) پیشنهاد نگارنده «بی آشناب» به معنای «بلون شنا» است که شاید در نسخ سام‌نامه به «بی آشتاب» تصحیف شده. «موج بی آشناب» یعنی موجی که نمی‌توان در آن شنا کرد و این با مفهوم بیت و روند داستان کاملاً منطبق است.

۲۷. همین دم نمانند اندر شتاب نه کشتی به جنگ و جهاز و غراب (ص ۱۹۴) وجه پیشنهادی «نه جنگ» است و «جنگ» یعنی «کشتی بزرگ» (رک: معین، ۱۳۶۳: ۱۳۴ و ۱۳۵). در ص ۲۰۸ از منظومه هم این واژه به کار رفته و در آنجا نیز «کشتی جنگ» باید به «کشتی و جنگ» تغییر یابد.

۲۸. مرا دیو کشتن بود رای خوبش شنیدی مکوکال آن رزم کیش (ص ۱۹۵) پیشنهاد نگارنده صورت «رای و کیش» از نسخه «ال» است.

۲۹. به پیکار دیوان زنگی شلند به شمشیر و نیزه دو رنگی شدند همان گونه که در تعلیقات نوشته‌اند «دو رنگی» در این بیت معنای محصلی ندارد. حدس نگارنده این است که شاید وجه درست «زنگی» باشد و مراد از «دو زنگی شدن» یعنی مانند زنگیان با خشم و خروش حمله کردن می‌دانیم که «زنگیان» از زیانکاران پرخاشگر روایات ایرانی هستند. شده نزه دیوان در آن آب غرق

۳۰. همی گرز باریدشان میر به فرق (ص ۱۹۸) ضبط نسخه «ن» «ایر» و به نظر نگارنده برتر است؛ زیرا کاربرد دو حرف اضافه پشت سر هم (بر به) از ویژگی‌های سبکی نادری است که در منظومه زرین قبادنامه نیز - که گفتیم زمان سرایش آن احتمالاً هم‌عصر سام‌نامه است - دیده می‌شود. برای نمونه: نمانند یک دم تو را بر به تخت (بیت ۵۰)، شنیدی چه آمد مرا بر به سر (۵۰۷)، نشستند گودرزبان بر به زمین (۱۱۳۱)، چه عفریت آمد تو را بر به چنگ (۲۳۰۲).

۳۱. پس آنگه شود رزم یا ما دراز زمانه دگرگونه آرد به ساز (ص ۱۹۸) آیا ضبط «بر» در نسخه «ال» دقیق‌تر نیست؟ چون صورت درست ترکیب، «دراز شدن رزم بر کسی» است نه «یا کسی».

۳۲. فرستادش فغفور اندر به جنگ چو ماهی که آید به کام نهنگ (ص ۲۰۲) با توجه به صورت «ایدر» در دست‌نویس «ال» «ایدر» پیشنهاد می‌شود.

۳۳. نگه دار این مرز آچین و چین ندیده‌ست چون من کسی گاه کین (ص ۲۰۶)

«آچین زمین» از دست‌نویس «ال» پیشنهاد می‌شود، زیرا سام از چین و ماچین به سرزمین آچین آمده است و دیگر «چین» در اینجا وجهی نخواهد داشت.

۳۴. نیاید هزبر رمانج به پیش به فرمان من صد جزیره‌ست بیش (ص ۲۰۶) وجه درست «دمانج» است که در نسخه «ن» «ال» آغازین آن به صورت «ر» نوشته شده است، یا چنین خوانده می‌شود.

۳۵. یکی جنگ برخاست بر روی آب که ماهی فرو ماند از آشتاب (ص ۲۰۶) ضبط درست «آشناب» (شنا کردن) در دست‌نویس «ال» است. جالب اینکه در مقدمه (ص چهل و چهار) این بیت با صورت «آشناب» ذکر شده است.

۳۶. پس آنگه رخ آورد با سام و گفت که ای نامور دیو ایدر شکفت (ص ۲۱۰) ضبط پیشنهادی «شگفت» است. «شگفت» در لغت‌نامه دهخدا با دو تلفظ «گ» مکسور و مضموم ضبط شده (رک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ماده) و شواهدی برای هم‌قافیگی آن با کلماتی مانند: گفت، خفت، نهفت و... در متون فارسی هست. در ریشه مفروض برای این واژه و برخی صورت‌های ایرانی باستان و میانه آن نیز «گ» به صورت (g) و (gu) تلفظ می‌شود (رک: Nyberg, 1974: 2/187).

۳۷. همه آب آچین به دم درکشد نهنگ از ته آب بر خود کشد (ص ۲۱۰) با توجه به صورت «خور» در نسخه «ن» و ابیات همین منظومه درباره کار نهنگال دیو که نهنگ را از آب می‌گیرد و در برابر «خورشید» بریان می‌کند، ضبط «خور» درست است.

۳۸. دو سنگ گران بر درخت قوی به گردون برآورده چون پهلوی (ص ۲۱۲) «گردن» در دست‌نویس «ال» درست است، چون درخت را مانند گرز بر گردن می‌نهند یا تکیه می‌دادند و حمل می‌کردند.

۳۹. تو دادی به گرشاسب نیرو دو دست که چون منهراسی به گیتی بیست (ص ۲۱۳) آیا «نیروی دست» در نسخه «ال» درست نیست؟

۴۰. چو در آب، دریا درآید بر او نهنگ دمان دایه گردد بر او (ص ۲۱۷) پیشنهاد نگارنده «چو در آب دریا درآید مر او» است. البته نسخه‌بدلی برای این مصراع داده نشده.

۴۱. بیامد ز خوبان گروهها گروه که انبوه بودند اندران پای کوه (ص ۲۲۲) شگفتی در آن بزمگاه ماندند فراوان ز یزدان همی خواندند (ص ۲۲۲) به ترتیب با صورت‌های «بود» - که در نسخه «ال» هست - و «بزمگاه» وزن بیت‌ها درست خواهد بود.

۴۲. سپهید به دیوان یکی حمله کرد که پوشید رخسار خود تیره کرد (ص ۲۲۵) پیشنهاد نگارنده «خور» است: رخسار خورشید را پوشاند و تیره کرد.

۵۲. همه هیمة آتشش مردم است
بسی دیو و جادو در آنجا کم است (ص ۳۱۳)
با توجه به قافیۀ مصراع اول، «گم» پیشنهاد می‌شود: [آن دره چنان بزرگ
است که] دیوان و جادوان بسیاری در آنجا گم می‌شوند و به نظر نمی‌آیند.
۵۳. بدو گفت شاپور کای مرد شوم
همی دم براندازم این مرز و بوم (ص ۳۱۶)
«همین» در نسخه «ال» دقیق‌تر است، مگر اینکه استعمال «همی» به
جای «همین» و به صورت مخفف آن از مختصات سبکی منظومه باشد.
۵۴. که این است شاه جوانان عهد
که زبید بدو افسر و طوق مه‌د (ص ۳۱۸)
«طوق و مه‌د» در دست‌نویس «ال» درست است.
۵۵. همه روشنی و سیاهی ز توست
در گاه تا برج ماهی ز توست (ص ۳۲۴)
وجه درست «گاو» است و منظور از آن گاوی است که به اعتقاد
گذشتگان، زمین روی شاخ آن قرار گرفته بود. یعنی از حوض زمین (گاو
زیر زمین) تا اوج آسمان (برج ماهی) قلمرو فرمانروایی توست. مشابه این
مصراع در شاهنامه هم هست «در گاو تا برج ماهی مراست» (فردوسی،
۱۳۸۶: ۲/۴۶۵/۶۲۷).
۵۶. به گردش هزاران هزاران پری
کشیده همه صف پر داوری (ص ۳۳۰)
پیشنهاد نگارنده «بی داوری» از نسخه «ال» و چاپ سنگی متن است.
۵۷. نشسته به یک دست آن رزمگاه
زبان پر فسون بهر تسلیم شاه (ص ۳۳۳)
ضبط دست‌نویس «ن»، «او» برتر است، چون کاربرد «او» در معنای «آن»
و به صورت صفت پیشین اشاره‌ای (او رزمگاه: آن رزمگاه) از ویژگی‌های
سبکی سام‌نامه است که البته در برخی متون دیگر هم دیده می‌شود (در
این باره، رک: طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۱۱۱).
۵۸. منم سام پور نریمان شیر
که رویننه دیو اندر آرم به زیر (ص ۳۳۸)
چون «رویننه دیو» (دیو روینن تن) را نریمان پدر سام کشته است،
فعل در مصراع دوم باید سوم‌شخص مفرد باشد، مثلاً به این صورت: که
رویننه دیو اندر آورد زیر.
۵۹. بگفت و به گردون برآورد غریو
که آمد سپهدار سالار نیو (ص ۳۳۹)
از نظر وزنی و نیز توجه به مصراع دوم که فریاد آملن سپهدار نیو
(سام) را دیگران برآورده‌اند، ضبط «برآمد» در نسخه «ال» و چاپ سنگی
پیشنهاد می‌شود.
۶۰. یکی حمله آورد بر نامور
به سام سپهدار نبد کارگر (ص ۳۴۰)
چون در مصراع دوم، سخن از کارگر نشدن بر سام است، به جای
«حمله» «حربه» از دست‌نویس «ال» پیشنهاد می‌شود (حربه بر سام کارگر
نبود). در مصراع دوم هم با «سپهدار» وزن ایراد دارد و شاید «سپهد»
صورت درست باشد.
۶۱. یکی را نمانم در این کوه جنگ
به فرمان یزدان با فر و هنگ (ص ۳۵۰)

۴۳. یکی بکده صدمنی روی ران
بیاویخته آن گو پهلوان (ص ۲۵۸)
ضبط درست «بگده» (begda) به معنای «ساطور و کارد بزرگ» است
که از فرهنگ‌های مهم و معتبر، نخستین بار در فرهنگ نفیسی (رک:
نفیسی، ۱۳۵۵: ۱/۶۳۰) و به نقل از آن در لغت‌نامه دهخدا بدون شاهد آمده
است. «بگده» چندین بار در منظومه زرین‌قیانامه (مثلاً بیت ۷۸۳۱)، قصه
حسین کرد (رک: قصه حسین کرد شبستری، ۱۳۸۵: ۱۱۴، ۲۱۶، ۲۲ و ۲۶۸)
اسکندرنامه نقالی (رک: اسکندرنامه، ۱۳۸۴: ۱۷۳ و ۲۱۵) و یکی از طومارهای
نقالی (رک: طومار کهن شاهنامه، ۱۳۷۴: ۴۳۱) هم به کار رفته است. بر
این اساس، توضیح تعلیقات (ص ۶۵۴) درباره این واژه نیز باید اصلاح شود.
۴۴. مرا آرزویی است در دل گره
نشاید شوم کشته ایدر فره (ص ۲۶۳)
«فره» که در تعلیقات، «شاد» معنی شده است، در اینجا وجهی ندارد.
شاید صورت درست «فزه» باشد که به معنای «زشت» است و در این بیت
می‌تواند در نقش قیدی (به‌زشتی) به کار رفته باشد: شایسته نیست که
به‌خواری و زشتی در اینجا کشته شوم.
۴۵. خبر شد به نزدیک سقلاب شاه
از آن مرگ دهقان وز رزمگاه (ص ۲۶۷)
چون در ابیات پیش و کشته‌شدن دهقان به دست شاپور «رزم و
رزم‌گاهی» نبوده است، ضبط «آبر بی‌گناه» از چاپ سنگی سام‌نامه
پیشنهاد می‌شود.
۴۶. بمردند از ترس، دل پر شتاب
بدانند جان از پی نان و آب (ص ۲۸۷)
با در نظر داشتن مصراع دوم و صورت «کرس» در نسخه «ن»، ضبط
درست «گرس» به معنای «گرسنگی» است. در صفحه ۳۰۷، بیت ۹ نیز
«کرس» باید به «گرس» اصلاح شود.
۴۷. پدر بد مرا زیر فرمان جم
ز جمشید و جم بودمان بیش و کم (ص ۲۸۸)
ضبط «جمشید جم» در چاپ سنگی درست است، زیرا افزودن «جم»
- که جزء نخست کلمه جمشید است - بر این نام و ساختن ترکیب
تأکیدی «جمشید جم» از کاربردهای ویژه و مکرر طومارهای نقالی و
روایات عامیانه است.
۴۸. به خدمت فرو بسته یکسر کمر
گرفته ز هر سو همه کوه در (ص ۲۹۹)
آیا «کوه و در» در دست‌نویس «ال» برتر نیست؟
۴۹. ز هر جا همه زیرک چون پری
کشیده به هر جای بی داوری (ص ۳۰۱)
اگر سهو چایی نباشد، صورت درست «ریدک» است.
۵۰. شده گرز و آواز کوس فلک
تماشا کنان بُد فلک با ملک (ص ۳۰۶)
مصراع نخست به این صورت معنای روشنی ندارد. نگارنده با توجه به
ضبط نسخه «ال» این وجه را پیشنهاد می‌کند: شده کر ز آواز، گوش فلک.
۵۱. تویی آن که سیمرغ دانات خواند
ز کردار تو داستانها بماند (ص ۳۱۰)
پیشنهاد نگارنده «براند» از چاپ سنگی متن است.

«جنگ» معنای محصلی در بیت ندارد و احتمالاً قافیۀ مصراع نخست، «هنگ» به معنای «غار» در نسخه «ن» است و پایان مصراع را باید «کوه و هنگ» خواند. «هنگ» در این معنا باز در سام‌نامه به کار رفته (رک: ص ۴۳۳) و با «هنگ» مصراع دوم جناس تام می‌سازد.

۶۲ به هم تار شادی به هم راست شد
نی و چنگ و بریبت هم آواز شد (ص ۳۵۳)

اگر ضبط مبهم مصراع نخست وجه اصلی باشد، مصراع دوم قافیۀ نخواهد داشت، لذا نگاشته «غم از سینه‌ها در کم و کاست شد» در نسخه «ن» درست می‌نماید.

۶۳ که من رفته بودم به نخجیر گور
چهل روز در سبزه گه کرده سوز (ص ۳۶۷)

ترکیب «سبزه گه» در فرهنگ‌ها نیست، اما ضبط «سیرگه» در نسخه «ل» به این صورت و نیز «سیرگاه» کاربرد دارد (رک: انوری، ۱۳۸۲: ذیل ماده) و شاید «سبزه گه» دست‌نویس «ن» مصحف آن باشد.

۶۴ هر آن کس که این را ببندد دو چنگ
به گردن نهد مرد را پالهنگ (ص ۳۷۶)

صورت «مر ورا» در دست‌نویس «ل» برتر است.

۶۵ یکی دود پیچید تا چرخ و ماه
رخ ماه و خورشید گردون سیاه (ص ۴۲۹)

آیا «چرخ ماه» به معنای «طبقه اول آسمان / فلک نخستین» که در شاهنامه و گرشاسپ‌نامه نیز شواهد کاربرد دارد (رک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «چرخ ماه») دقیق‌تر نیست؟

۶۶ بگیر از کفم تیغ زهر آبدار
اگر زنده مانی تو مردم مدار (ص ۴۳۷)

ترکیب به کار رفته در شاهنامه «کسی را به مرد داشتن» است (رک: رواقی، ۱۳۹۰: ۱/۴۳۸) و چون سراینندگان منظومه‌های پس از فردوسی، غالباً در زبان و بلاغت از او تقلید کرده‌اند، احتمال دارد ضبط «به» از نسخه «ل» وجه اصلی باشد (اگر زنده مانی به مردم مدار).

۶۷ یکی دود گردید جنگی کرد
که پیچید بر سوی چرخ کبود (ص ۴۴۴)

این واژه باز در سام‌نامه به کار رفته (صص ۴۴۸ و ۶۱۵) و در تعلیقات (ص ۶۵۹) معنای آن نامشخص دانسته شده است. یادآور می‌شود که نخستین بار نگارنده به این لغت در سام‌نامه توجه کرده و نوشته است «در حدود جستجوهای نگارنده چنین واژه‌ای در فرهنگ‌ها و متون نظم و نثر نیامده است. ظاهراً در بیت سام‌نامه به معنای "پتیاره، ازدها و اهریمن" به کار رفته است. آیا از لغات مجعول دساتیری است؟» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۴۴۷). در پی این اشاره، دو تن از پژوهشگران در مقاله‌ای مستقل به بررسی این واژه در سام‌نامه پرداخته و به‌درستی دریافته‌اند که «گرود» - که ضبط درست این واژه است و نه «کرود» - صورتی از نام «گرودا» (garudā) مرغ روایات هندی است که در متن‌های فارسی به‌شکل گارودا، گارودها، گژد و گرودا آمده است (رک: حیدری و زند مقدم، ۱۳۹۱: ۸۳-۹۰). این محققان حدس زده‌اند که نام garudā از راه ترجمه متون هندی به فارسی در دوره حکومت تیموریان هند (مقارن با فرمانروایی صفویان در ایران) شناخته شده است. در اساطیر هند، گرودا موجودی نیمه عقاب و نیمه انسان و یارۀ ویژه ویشنو، ایزد

هندی، است. او بسیار نیرومند و دشمن ماران است و همانندی‌هایی با سیمرغ نیز دارد (برای آگاهی بیشتر، رک: ایونس، ۱۳۸۸: ۱۸۵-۱۸۷؛ قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۰ و ۸۱). این لغت با ضبط «گرود» در سام‌نامه به معنای «ازدها» است و در منظومه زرین‌قیانامه نیز بیست بار در این معنا یا به استعاره از پهلوان به کار رفته. همچنین استعمال آن در سام‌نامه می‌تواند یکی از قریب‌تأخر نظم این متن و تعلق آن به حدود سده دهم شمرده شود.

۶۸ اگر گل به سر داری گل مشوی
وگر شاخ گل داری آنجا میوی (ص ۴۵۵)

همچنان که مصحح گرامی خود در تعلیقات (ص ۶۵۹) اشاره کرده‌اند، صورت معروف مثل مصراع نخست در شاهنامه «که گر گل به سر داری اکنون مشوی» است، اما ایشان به دلیل کاربرد آن به همین صورت در صفحه ۵۸۰ از منظومه، ضبط نسخه «ن» را برگزیده‌اند. باید توجه داشت که با صورت کنونی، وزن مصراع نادرست است؛ ضمن اینکه در صفحه ۵۸۰ متن، چنین تعبیری به کار نرفته است، از این روی نگارنده پیشنهاد می‌کند که به جای «گل»، «گل» دوم، وجه «اکنون» از دست‌نویس «ل» انتخاب شود (اگر گل به سر داری اکنون مشوی).

۶۹ خمیده سپهر از کمان من است
ستاره دل بدگمان من است (ص ۴۸۲)

با این ضبط، مصراع دوم معنای روشنی ندارد و صورت «ستاره سر این سنان من است» در چاپ سنگی برتر می‌نماید که با مفهوم مصراع اول نیز تناسب دارد.

۷۰ شده چشم قانون پر از آبله
چو بر استیو خوشه سنبله (ص ۴۹۴)

آن‌گونه که در تعلیقات (ص ۶۶۰) نوشته‌اند، واژه «استیو» در فرهنگ‌ها نیست، مصحح محترم برای این ضبط، نسخه‌بدلی نداده‌اند، ولی می‌توان حدس زد که شاید وجه درست «استوا» باشد، به این قرینه که در نجوم کهن، صورت فلکی سنبله در استوای سماوی واقع است (رک: مصفی، ۱۳۸۱: ۴۰۸) و احتمالاً ناظم به این رابطه توجه داشته است. در وجه‌شبه تشبیه قانون به سنبله در استوا ظاهراً معنای لغوی «خوشه سنبله» مورد نظر بوده که پر از دانه‌های گندم است و ساز قانون نیز سوراخ‌های گوناگون - به تعداد آن دانه‌ها در نظر ناظم - دارد. این را هم باید افزود که رود زدن و موسیقی‌دانی، منسوب به صورت سنبله است (رک: همان: ۴۱۰).

۷۱ چو بشنید خاتوره بدکنش
کمر بست بر کین سر پر منش (ص ۴۹۷)

نگارنده ضبط «برترمنش» را از چاپ سنگی پیشنهاد می‌کند که منظور از آن «سام» و از ترکیبات شاهنامه‌ای است (بر کین برتر منش).

۷۲ نمانم که پی برنهد بر زمین
نگونسار سازم مر او را ز زین (ص ۵۱۲)

ضبط «نگوسار» در دست‌نویس «ل» دشوارتر و شاهنامه‌ای است. خاطرنشان می‌شود که یکی از تحولات آوایی زبان فارسی در قرن چهارم تا هفتم در برخی مناطق ایران، حذف صامت «ن» از پایان مصوت‌های بلند در شماری از کلمات است و بر همین اساس، «نگونسار» در برخی متون به‌صورت «نگوسار» به کار رفته (رک: صادقی، ۱۳۸۳: ۵-۸).

ب) ضبط‌های مبهم

چند مورد از ضبط‌های تصحیح جدید سام‌نامه مبهم است و معنای محصلی - حذائق برای نگارنده - ندارد. این بیت‌ها با ذکر مورد ابهام، برای بررسی مجدد مصحح گرامی و در صورت صلاح‌دید، افزودن توضیحی در تعلیقات در چاپ‌های بعدی آورده می‌شود.

۱. دمان یوزبازان و آهو درنگ
- عقابان عقیقین به خون کرده چنگ (ص ۶)
۲. بدان سان که بشکست پشت کمان
- ز بیر سپهری برآمد فغان (ص ۱۱۲)
۳. زده مل کل دور در خارخار
- ز هجران به جانش خلیده روان (ص ۲۹۴)
۴. به هم تار شادی به هم راست شد
- نی و چنگ و بربط هم آواز شد (ص ۳۵۳)
۵. زمین کردن آراسته از جبین
- به پهلوی بخوانند هزار آفرین (ص ۴۴۵)
۶. یکی تخت بستند بر پشت پیل
- که آن هشت به نیرو دو میل (ص ۴۵۷)
۷. بگفت و برآورد شمشیر تیز
- بدو گرد پهلوی نماید پشیز (ص ۵۰۲)

ج) ملاحظاتی درباره تعلیقات

۱. درباره رابطه «دیو و مار» در این بیت:
چو پیلی شده بر پلنگی سوار
به دستش چو تازانه بگرفته مار (ص ۷۳)
به پیکرگردانی دیو به مار برای کشتن سیامک در گزارش طبری، آفریدن اهریمن مار را و نیز معرفی مارها به عنوان دستیاران دیوان در شعر فارسی اشاره کرده‌اند (ص ۶۴۵)، اما موضوع مصراع دوم یکی از بن‌مایه‌های روایات نقالی و عامیانه است و برای نمونه در بخش سام‌نامه کهن‌ترین طومار تاکنون شناخته‌شده نقالان رضوان‌پری در رویارویی با سام «مار را تازیانه کرده» (طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۲۹۴).

۲. در توضیح این بیت:

بگفت و کمانی ز گرشاسپ داشت
ز قربان کشید و ورا بفراخت (ص ۷۴)
نوشته‌اند «در جایی اشاره نشده که گرشاسپ کمان خاصی داشته که از او به یادگار مانده باشد» (ص ۶۴۶). یادآور می‌شود که در داستان‌های نقالی و عامیانه از «کمان گرشاسپ» یاد شده است. برای مثال در طومار هفت لشکر سام - همچون این منظومه - از کمان گرشاسپی بهره می‌گیرد (رک: هفت لشکر، ۱۳۷۷: ۱۲۸) و در طومار کهن مربوط به عصر صفوی، چند بار از این کمان در دست سام، رستم و بانوگشسپ سخن رفته است (رک: طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۳۳۹، ۷۶۰ و ۷۹۴).

۳. در این بیت:

بدو گفت من پور شیداسپ شاه
سر پهلوانان زرین کلاه (ص ۸۶)
درباره «شیداسپ» نوشته‌اند «در شاهنامه دو شخص با این نام دیده

می‌شوند: یکی وزیر تهمورث... دیگری پسر گشتاسپ» (صص ۶۴۷ و ۶۴۸). نخست اینکه «شیداسپ/شیداسپ» در گرشاسپ‌نامه نوه جمشید و از نیاکان گرشاسپ است (رک: اسدی، ۱۳۱۷: ۴۴) و در این بیت نیز منظور همین شخص است. ثانیاً وزیر تهمورث، مطابق با شاهنامه تصحیح دکتر خالقی مطلق، «شهرسپ» نام دارد (رک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۳۶/۲۱) و نه شیداسپ.

۴. رقم زد به نام جهان کردگار

که از خاره خار آورد گل ز خار (ص ۱۷۱)
درباره «خار» نخست در مصراع دوم نوشته‌اند «معانی ذکر شده برای این واژه در اینجا مناسب نیست ولی در هر سه نسخه همین واژه آمده است» (ص ۶۵۱). نگارنده احتمال می‌دهد شاید «خار» در همان معنای معروف باشد و منظور این است که خداوند با قدرت خود می‌تواند بر روی سنگ سخت (خاره) خار برویاند.

۵. سپهبد درآمد به پشت غراب

نهادند رخ سوی دریای آب (ص ۱۸۹)
نوشته‌اند «غراب: قسمتی از کشتی بادی قدیم که به شکل غراب ساخته می‌شده است» (ص ۶۵۱). «غراب» در این بیت اسم خاص اسب سام است که پهلوان بر پشت او سوار می‌شود. در دنباله بیت‌ها هم می‌بینیم که سام سوار بر آن به کنار دریا می‌آید و در ساحل، بزم می‌آید و درون دریا نیست که بر کشتی باشد.

۶. شب و روز می‌گشت درش بتر

ز غم سوخت و می‌ریخت خون جگر (ص ۳۳۷)
نوشته‌اند «فعل «سوخت» در این بیت باید با تخفیف تلفظ شود و احتمالاً تأثیر لهجه است زیرا هنوز در خراسان سوخت به صورت «سخت» تلفظ می‌شود» (ص ۶۵۴). این تلفظ مربوط به لهجه نیست بلکه افتادن صامت پس از هجای بلند هنگام خواندن از ویژگی‌های عروضی متون کهن فارسی از جمله شاهنامه است (در این باره، رک: خالقی مطلق، ۱۳۶۹: ۴۸-۶۳). برای نمونه دو کلمه «نیافت» و «سوخت» در بیت‌های زیر از شاهنامه نیز «نیاف» و «سوخت» خوانده می‌شود:

زن و کودک و مرد با دستوار

نیافت از سر تیغ او زینهار (۱۷۴/۱۳/۲)

همی سوخت و غارت همی کرد شهر

بیالود بر جای تریاک زهر (۱۷۵/۱۴/۲)

۷. پری صف کشیده رده بر رده

همه جامه‌هاشان به زر آرده (ص ۳۴۲)
«آرده» را خلیده با چیزی نوکتیز و مجازاً خسته و مجروح معنی کرده‌اند (ص ۶۵۶). باید افزود که در این بیت «به زر آرده» یعنی زردوزی شده.

۸. قد چون الف گشته از هجر دال

نهادن بالارا شده همچو نال (ص ۳۴۳)
نوشته‌اند «بالارا: بالار، بلال، آذربویه، اشنان... اما هیچ کدام از این معانی مناسب متن نیست» (ص ۶۵۶). آیا نمی‌توان به تبعیت از ضبط و املاي خود مصحح گرامی در متن، «بالارا» خواند و «نهادن بالارا» اضافه تشبیهی گرفت و مصراع را چنین معنا کرد: برای نهادن بالارا همچون نالی (شاخ نازکی) شده.



۹. ناظم سام‌نامه به استناد سخن دانای تاریخ‌دان به روایت دیگری از مرگ شداد اشاره کرده است که:

پس از عمر نهصد گذشته به سال
چو خواهد تماشا کند بدسگال
چو آید به صد گام آن پر شتاب
بود پای ناپاکش اندر رکاب
یکی بر رکیب است و یک بر زمین
که مرگ آید از پیش جان آفرین
کند قبض جانش ملک در زمان

نبخشید او را دمی زان امان (ص ۳۵۵)
در تعلیقات این چند بیت می‌خوانیم «ماجرای مرگ شداد در اینجا یکی از تناقضات کتاب است که شاید از روی اثر دیگری به این متن افزوده شده زیرا پس از این می‌بینیم که شداد زنده است و در پایان داستان اسیر شده و به دست سام به دار آویخته می‌شود که نیمه‌جان می‌گریزد» (ص ۶۵۷). می‌افزاید که گزارش چند بیت مذکور، سرانجام مشهور شداد در متون تاریخی و تفسیری و اصیل‌تر از روایت خود سام‌نامه است که بر ساخته پردازندگان این متن و متناسب با روایات آن است. عین روایت آن چند بیت، با جزئیاتی مانند نهصد سال حکومت و بودن یک پای شداد در رکاب و یکی بر زمین در تفسیر ابوالفتح رازی آمده است (رک: یاقعی، ۱۳۸۶: ۵۱۸). در تاریخ بلعی نیز شداد پانصد سال صرف ساختن بهشت زمینی خویش می‌کند و هنگامی که می‌خواهد به دین آن برود قبض روح می‌شود (رک: بلعی، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

۱۰. که بر کرد جنگسب از جای اسب
یکی بر خروشید همچون زرسب (ص ۵۰۵)
درباره «زرَسب» نوشته‌اند «این نام تنها یک بار در شاهنامه آمده و آن هم در داستان انوشیروان است...» (ص ۶۶۰). نام «زرَسب» چند بار در شاهنامه آمده (رک: رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۵۰۲/۱ و ۵۰۳) که معروف‌ترین آنها فرزند توس است که در نبرد با فرود کشته می‌شود (رک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۹/۳-۲۸۲) و به احتمال نزدیک به یقین در بیت سام‌نامه نیز مراد همین شخص است.

۱۱. سپهبد به ناکام چون دید کام
سر آمد همه داستانهای سام (ص ۶۳۷)
نوشته‌اند «ناکام در این بیت به معنی "ناگهان" است» (ص ۶۶۵). با توجه به موضوع سام‌نامه «ناکام» به معنی «ناگهان» در اینجا دقیق به نظر نمی‌رسد، زیرا سام، ناگهان و به یکباره کام نمی‌یابد، بلکه پس از دین و تحمل تلخی‌ها و دشواری‌های بسیار، مراد می‌یابد؛ لذا پیشنهاد نگارنده این است که «ناکام» در همان معنای اصلی خود گرفته شود، یعنی سام بعد از ناکامی (=رنج‌های رسیدن به پری‌دخت و فراق طولانی) به کام رسید.

چند نکته دیگر

۱. در موضوع «سابقه تحقیق درباره سام‌نامه» که یکی از مباحث مقدمه مصحح ارجمند است (رک: ص بیست به بعد) یک مدخل و مقاله دیگر نیز به لحاظ تاریخ چاپ، مقدم بر این مقدمه است که به احتمال بسیار به دلیل فاصله‌ای که میان پایان کار تصحیح سام‌نامه و چاپ آن بوده - و این دو تحقیق در این میانه منتشر شده - مورد اشاره قرار نگرفته است

و باید در چاپ بعدی افزوده شود. نخست، مدخل «سام‌نامه» نوشته دکتر محمود عابدی در جلد سوم دانشنامه زبان و ادب فارسی (رک: عابدی، ۱۳۸۸) و دیگر مقاله «سام‌نامه، گوینده، زمان و حوزه پدید آمدن آن» از هم ایشان در «رج‌نامه شادروان دکتر ذبیح‌الله صفا» (رک: عابدی، ۱۳۹۰). در این دو گفتار، دکتر عابدی نیز سام‌نامه را بر ساخته‌ای تغییر یافته از همایون دانسته‌اند که احتمالاً در اوایل قرن دهم و در شرق و شمال شرق خراسان، گویا به دست نقالان پرداخته شده است. این نتیجه‌گیری، مشابه نظر مصحح محترم منظومه است که البته چند سال پیش از چاپ سام‌نامه و نیز مدخل و مقاله یادشده، در مقاله‌ای هم اظهار کرده بودند (رک: محمّزاده و رویانی، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۷۶).

۲. پیشنهاد می‌شود که در چاپ بعدی، مصحح گرامی در پایان پیشگفتار خویش، تاریخ اتمام کار را بیاورند تا خوانندگان بدانند بین پایان کار و انتشار آن چند سال فاصله بوده است.

۳. در بعضی کلمات، ضبط متن و نسخه‌بدل یکی است که باید بازنگری و اصلاح شود، از جمله: ص ۶۴، شماره ۲؛ ص ۸۴، شماره ۳؛ ص ۱۸۷، شماره ۶؛ ص ۱۹۱، شماره ۷.

۴. پیشنهاد می‌شود بیت‌های متن به صورت مسلسل شماره‌گذاری شود تا هم کار ارجاع آسان گردد و هم محققان و خوانندگان از شمار دقیق ابیات این چاپ سام‌نامه آگاه شوند. در مقدمه هم به تعداد بیت‌های تصحیح جدید اشاره نشده است.

۵. فهرست لغات و ترکیبات سام‌نامه دو صفحه (دقیقاً یک صفحه و نیم) (صص ۶۸۱ و ۶۸۲) و بسیار کوتاه است و بی‌گمان در این منظومه بلند، لغات، ترکیبات و تعابیر بیشتری وجود دارد که برای بهره‌مندی پژوهشگران، به‌ویژه مولفان فرهنگ جامع زبان فارسی، باید فهرست شود.

۶. مواردی از سهوهای چاپی برای اصلاح در چاپ دوم (با ذکر صورت نادرست، شماره صفحه و بیت و وجه درست) آورده می‌شود:

شماره صفحه	شماره بیت	نادرست	درست
۶۱	۱۰	تا	تو
۱۹۲	۵	نلید	نابند
۲۵۲	۱۴	ژاژخواه	ژاژخا
۲۹۰	۱۲	ژاژخوایی	ژاژخایی
۳۲۴	۷	نیود	نید
۳۶۳	۲۰	نه تنها	به تنها
۴۲۳	۱۳	پل	یل
۴۴۵	۲	شکست	شکستن
۴۶۱	۳	بهر	بحر
۱۰۵	۵	روبی و مویی	روی و موی
۱۹۹	۶	نغمه و نای و چنگ	نغمه نای و چنگ
۲۸۳	۵	کوی	کوه
۳۰۷	۴	شمشیر و وز زخم	شمشیر وز زخم
۳۳۹	۱۵	کوه هامون	کوه و هامون
۴۰۹	۱۳	که ای	کای
۴۳۰	۱۸	هنک	هنگ
۴۵۱	۲	بساز	بسازم
۴۷۴	۵	می و لعل ساقی	می و لعل ساقی

پی‌نوشت‌ها

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اورمیّه

aydenloo@gmail.com

۱. به بالای سام نریمان بود به مردی و خوی کریمان بود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲/۱۲۴/۸۸)

همان سام پور نریمان بُده است نریمان گرد از کریمان بُده است (۵/۳۴۶/۶۵)

۲. «آزری» در شاهنامه هم هست:

جدا گشت از او کودکی چون پری به چهره به سان بت آزری (۲/۲۰۶/۶۶)

۳. شماره بیت‌ها بر اساس متن مصحح این منظومه به کوشش نگارنده است که در انتشارات سخن زیر چاپ است.

منابع

- آیدنلو، سجّاد، ۱۳۸۸، متون منظوم پهلوانی (برگزیده منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه). تهران: سمت.

- اسدی، ابونصر، ۱۳۱۷، گرشاسپ‌نامه. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: بروخیم.

- اسکندرنامه، ۱۳۸۴، منسوب به منوچهر خان حکیم. بخش ختا. به کوشش علی‌رضا ذکاوتی قراقرزلو. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- انوری، حسن (سرپرست)، ۱۳۸۲، فرهنگ بزرگ سخن. چاپ دوم، تهران: سخن.

- اوحدی دقایقی بلانی، تقی‌الدین محمد، ۱۳۸۸، تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین. تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.

- ایرانشاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰، بهمن‌نامه. ویراسته دکتر رحیم عقیقی. تهران: علمی و فرهنگی.

- ایونس، ورونیکا، ۱۳۸۸، اساطیر هند. ترجمه باجلان فرّخی. چاپ دوم، تهران: اساطیر.

- بلعمی، ابوعلی محمد، ۱۳۸۳، تاریخ بلعمی. تصحیح محمدتقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. چاپ دوم، تهران: زوآر.

- تسکین شیرازی، ۱۳۸۲، فلک‌نازنامه. به کوشش سید علی آل‌داوود. تهران: توس.

- حیدری، حسن و ساسان زند مقدم، ۱۳۹۱، «گرود (گرودا) (نماد انتقال و تبدیل اساطیر هند در سام‌نامه)»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوه‌ر گوینا). سال ششم، شماره اول (پیاپی ۲۱)، بهار، صص ۸۳-۹۴.

- خالقی مطلق، جلال، ۱۳۶۹، «پیرامون وزن شاهنامه»، ایران‌شناسی. سال دوم، شماره ۱، بهار، صص ۴۸-۶۳.

- _____، ۱۳۸۰، یادداشتهای شاهنامه. بخش یکم، نیویورک: بنیاد میراث ایران.

- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه. چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.

بررسی تصحیح جدید سام‌نامه

- رستگار فسایی، منصور، ۱۳۷۹، فرهنگ نامهای شاهنامه. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- رواقی، علی، ۱۳۹۰، فرهنگ شاهنامه. تهران: فرهنگستان هنر.

- سام‌نامه، ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰. به کوشش اردشیر بنشاهی. بمبئی: چاپخانه سلطانی.

- _____، ۱۳۸۶. به کوشش دکتر میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.

- _____، ۱۳۹۲. تصحیح وحید رویانی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۸۳، «دو تحول آوایی در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. سال نوزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، زمستان، صص ۱-۹.

- طرسوسی، ابوطاهر، ۱۳۷۴، داراب‌نامه. تصحیح دکتر ذبیح‌الله صفا. چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.

- طومار کهن شاهنامه، ۱۳۷۴. به کوشش جمشید صداقت‌نژاد. تهران: دنیای کتاب.

- طومار نقلی شاهنامه، ۱۳۹۱. مقدمه، ویرایش و توضیحات: سجّاد آیدنلو. تهران: به‌نگار.

- عابدی، محمود، ۱۳۸۸، «سام‌نامه». دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۳، صص ۵۶۹-۵۷۲.

- _____، ۱۳۹۰، «سام‌نامه، گوینده، زمان و حوزه پدید آمدن آن»، ارج‌نامه ذبیح‌الله صفا. به کوشش سید علی آل‌داوود. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، صص ۴۸۵-۵۰۴.

- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۶، شاهنامه. تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق (دفتر ششم با همکاری دکتر محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی). تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- قضاة حسین کرد سبستزی، ۱۳۸۵. به کوشش ایرج افشار و مهران افشاری. تهران: چشمه.

- قلی‌زاده، خسرو، ۱۳۸۹، «خاستگاه سیمرغ از دیدگاه اسطوره‌شناسی تطبیقی». پژوهشهای ادبی. سال هفتم، شماره ۲۳، تابستان، صص ۶۱-۹۶.

- مصفی، ابوالفضل، ۱۳۸۱، فرهنگ اصطلاحات نجومی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- معین، محمد، ۱۳۶۳، تعلیقات برهان قاطع (ج ۵ برهان قاطع). چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.

- مولوی، محمدعلی، ۱۳۸۳، «آزر». دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. چاپ پنجم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، صص ۳۲۶ و ۳۲۷.

- نفیسی (ناظم الاطباق)، علی‌اکبر، ۱۳۵۵. فرهنگ نفیسی. تهران: کتابفروشی ختّام.

- هفت لشکر، ۱۳۷۷. تصحیح مهران افشاری و مهدی مدائنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- یاققی، محمدجعفر، ۱۳۸۶، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

- Nyberg, Henrik Samuel, 1974. *A Manual of Pahlavi*.

Wiesbaden.

